

بررسی ارتباط میان هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار در بین فراگیران زبان انگلیسی سطح متوسط دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس در سال ۱۳۸۹

بهاره سایبانی*
دکتر منوچهر جعفری گهر**

چکیده

هدف این پژوهش بررسی ارتباط میان هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار در بین فراگیران زبان انگلیسی و همچنین تاثیر جنسیت افراد بر این رابطه می‌باشد. این تحقیق از نوع همبستگی است. شرکت کنندگان در این تحقیق دانشجویان سال دوم رشته مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس می‌باشند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که رابطه قابل توجهی میان هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار وجود دارد. علاوه بر این، تحلیل‌های رگرسیون چندگانه در این تحقیق نشان می‌دهد که مهمترین نشانگرهای توانایی گفتار هوش زبانی-کلامی (در مردها و زن‌ها)، هوش میان فردی یا اجتماعی (در مردها) و هوش درون فردی یا خودشناسی (در مردها) می‌باشند. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که هیچ تفاوت چشمگیری بین مهارت گفتار مردها و زن‌ها وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: هوش، هوش‌های چندگانه، مهارت گفتار

مقدمه

تکلم به زبان انگلیسی یک مهارت است که نسبت به مهارت‌های دیگر یادگیری زبان در ایران به خصوص در مدارس کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخلاف خواندن و نوشتن، تکلم به تنهایی اتفاق نمی‌افتد و برای تکلم نیاز به یک مخاطب یا شنونده است. این امر ممکن است موانع

روانشناختی مربوط به خود را داشته باشد. به عنوان مثال، زبان‌آموزان از مرتکب اشتباه شدن و از انتقاد یا آبروریزی می‌هراسند یا صرفاً از اینکه کلام آنها در مرکز توجه مخاطب قرار بگیرد، خجالت می‌کشند (یوآر، ۱۹۹۶).

محقق چنین می‌پندارد که می‌توان این مشکلات را به برخی از ابعاد هوش‌های چندگانه ارتباط داد.

نکته‌ی بعدی این است که ممکن است این امکان همیشه میسر نباشد تا راه‌هایی را برای گنجاندن انواع هوش‌ها در طرح درس‌ها و آزمون‌ها یافت، باین حال اگر معلم قادر باشد تنوع بیشتری را در طرح درس‌ها و آزمون‌ها بگنجاند و هوش‌های بیشتری را در فرایند تدریس و یادگیری درگیر کند به دانش‌آموزان این امکان را می‌دهد تا در انتخاب روش‌هایی که بوسیله آنها مهارت‌های مختلف را می‌آموزند حق انتخاب داشته باشند، این امر دانش‌آموزان را موفق تر می‌گرداند.

ضرورت و اهمیت موضوع

نتیجه‌ی این تحقیق برای زبان‌آموزان و معلمان مفید خواهد بود. مدل هوش‌های چندگانه این فرصت را بوجود می‌آورد تا به طرز متفاوتی به برنامه درسی، آموزش و نحوه‌ی ارزشیابی نگریست. علاوه بر این، هر نشانه‌ای از رابطه میان هر بخش از هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار می‌تواند به معلم و سایر افرادی که در ارتباط با فرایند تدریس می‌باشند کمک کند.

امید است براساس این تحقیق معلمان از تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان بیشتر آگاه شوند، از این رو لازم است معلم‌ها این تفاوت‌ها را مد نظر قرار داده و مهارت‌ها را به شیوه‌های مختلف به دانش‌آموزان تدریس کنند.

تدریس مهارت‌ها به شیوه‌های مختلف دانش‌آموزان را قادر می‌سازد تا از قابلیت‌های ذهنی خود بیشترین استفاده را داشته باشند و حتی در جهت تصحیح و یا حداقل جبران نقاط ضعف خود تلاش کنند و در نتیجه فرایند یادگیری را بهبود بخشند.

هدف کلی

بررسی وجود ارتباط میان مهارت گفتار با یک نوع یا انواع هوش‌های چندگانه.

اهداف جزئی

۱- بررسی ارتباط یک نوع هوش یا ترکیبی از انواع هوش‌ها با نقاط ضعف و یا قوت مهارت گفتار در زبان‌آموزان ایرانی.

۲- بررسی تأثیر جنسیت افراد در ایجاد تفاوت در رابطه‌ی میان هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار در زبان‌آموزان ایرانی.

سؤال‌های پژوهش

- ۱- آیا رابطه‌ای میان هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار در بین زبان‌آموزان ایرانی وجود دارد؟
- ۲- آیا یک نوع هوش یا ترکیبی از انواع هوش‌ها می‌تواند نقاط ضعف و یا قوت مهارت گفتار زبان‌آموزان ایرانی را نشان دهد؟
- ۳- آیا جنسیت افراد تفاوتی در رابطه میان هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار در بین زبان‌آموزان ایرانی ایجاد می‌کند؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- رابطه‌ی معناداری میان هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار در بین زبان‌آموزان ایرانی وجود دارد.
- ۲- یک نوع هوش یا ترکیبی از انواع هوش‌ها می‌تواند نقاط ضعف و یا قوت مهارت گفتار زبان‌آموزان ایرانی را نشان دهد.
- ۳- جنسیت افراد تفاوتی در رابطه میان هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار در بین زبان‌آموزان ایرانی ایجاد می‌کند.

پیشینه‌ی پژوهش

هوش یک توانایی بسیار عمومی است که شامل توانایی استدلال، برنامه ریزی، حل مسئله، تفکر انتزاعی، درک کامل عقاید، یادگیری سریع و یادگیری از روی تجربه می‌باشد (گات فردسان، ۱۹۹۷ صفحه ۱۳).

اسپیرمن (۱۹۲۷) اظهار می‌کند که رابطه‌ای میان هوش و یک سری عملکردهای ذهنی وجود دارد. او معتقد است افرادی که در آزمونهای هوش عملکرد خوبی دارند در سایر فعالیت‌های ذهنی همانند تکلم، توانایی‌های ریاضیاتی و فضایی نیز به همان میزان عملکرد خوبی خواهند داشت. نظریات گذشته در مورد هوش، هوش انسان را مبتنی بر نتایج آزمون‌های کتبی و تحلیل آماری قرار می‌داد. اگر آزمونی به صورت معقولانه چالش انگیز باشد، برخی از دانش‌آموزان نمرات خوب و برخی دیگر نمرات پایینی خواهند گرفت. گفته می‌شود آنهایی که عملکرد بهتری دارند از میزان بالایی از آنچه که "هوش" نامیده می‌شود، برخوردارند. این هوش با یک عدد یا "ضریب" بیان می‌شود از این رو آن را ضریب هوشی یا آی کیو می‌نامند. بنابراین این نوع هوش برای همه پذیرفته شده است. براساس نظریه‌ی دیوید گیبوری (۲۰۰۵) ضریب هوشی با بسیاری از رویدادهای اجتماعی مهم ارتباط نزدیکی دارد. احتمال طلاق، داشتن بچه‌ی نامشروع، زندانی شدن، نیاز بلند مدت به حمایت رفاهی افراد دارای ضریب هوشی پایین، بیشتر می‌باشد. بعلاوه، وی دریافت که افراد با ضریب‌های هوشی بالا تحصیلات بالاتر، شغل‌های رده بالا و درآمدهای بیشتر را به همراه خواهد داشت.

تعدادی از منتقدین ارتباط هوش روان سنجی در زندگی روزمره را مورد چالش قرار داده‌اند. آنها بر این باورند که ضریب هوشی نمی‌تواند خلاقیت، ویژگی‌ها، شخصیت و سایر تفاوت‌های میان افراد را مورد سنجش قرار دهد (گات فردسان، ۱۹۹۷).

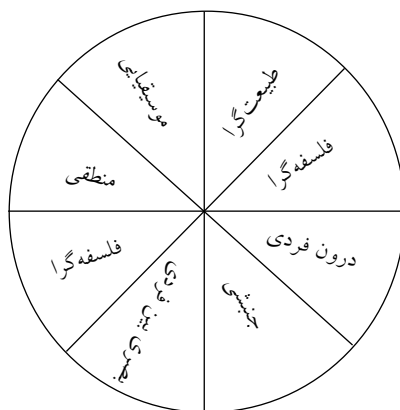
هووارد گاردنر، روانشناس آمریکایی، مدرس علوم تربیتی دانشگاه‌هاوارارد، نظریه‌ای متفاوت و جدید درباره‌ی توانایی ذهنی بشر، "تئوری هوش چندگانه"، را در سال ۱۹۸۳ همانگونه که در کتابش با عنوان "چهارچوب‌های ذهن" ارائه داده، مطرح کرد (گاردنر، ۱۹۸۳).

گاردنر و هتچ (۱۹۸۹) هوش را به عنوان توانایی حل مسئله یا ایجاد محصولات جدید که در فرهنگ یا جامعه‌ی یک شخص مورد ارزش قرار می‌گیرد تلقی می‌کنند (صفحات ۴-۹). این تعریف نظریه‌ی روانشناختی سنتی در خصوص هوش را به چالش کشید در نظریه‌ی روانشناختی سنتی هوش اینگونه تعریف شده است:

یک ظرفیت واحد که روش‌هایی را طرح ریزی می‌کند و به صورت ترکیبی، افراد را قادر می‌سازد تا بفهمند، گفتار را درک کنند و نظرات خود را بیان کنند (گاردنر، ۱۹۸۳).

بر اساس نظریه گاردنر (۱۹۸۳) همه انسان‌ها دارای انواع هوش‌های مختلف در مقادیر متفاوت می‌باشند و هر فردی سطح متفاوتی از هوش‌های مختلف را نشان می‌دهد و از این رو هر فرد "تصویر شناختی" منحصر به فردی دارد.

هوش‌های چندگانه از ۳ حیطه تشکیل شده‌اند. این ۳ حیطه به عنوان سازمان دهنده‌ای برای درک رابطه‌ی سیال انواع هوش‌ها و توضیح دهنده‌ی چگونگی عملکرد متقابل هوش‌ها به کار می‌رود؛ مدرسان می‌توانند دروس یا بخش‌هایی را برنامه‌ریزی کنند که به صورت کارآمد به تمامی انواع هوش‌ها در کلاس بپردازد (مک کنزی، ۲۰۰۲). این حیطه‌ها در شکل شماره ۱ نشان داده شده‌اند.



شکل شماره ۱. حیطه‌های هوش چندگانه (مک کنزی، ۲۰۰۲)

هوش‌های موسیقایی (آهنگین)، منطقی و طبیعت‌گرا از نوع هوش‌های تحلیلی محسوب می‌شوند، این

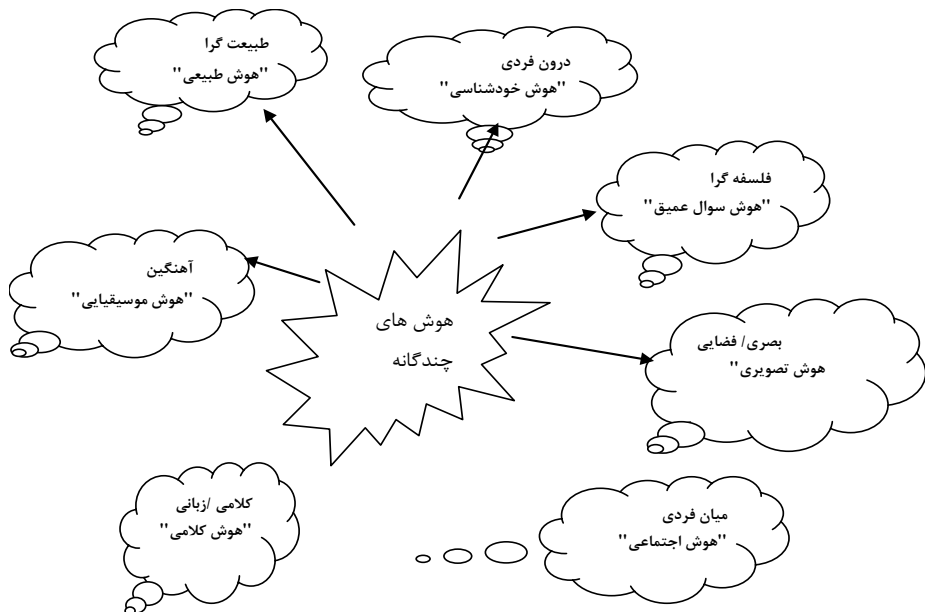
نوع هوش‌ها فرآیند تحلیل و گنجاندن اطلاعات را به درون الگوهای موجود ارتقاء می‌بخشد، اگر چه ممکن است مولفه‌های دیگری نیز داشته باشد (مک کنزی، ۲۰۰۲).

هوش‌های زبانی، بین فردی و جنبشی از نوع هوش‌های تعاملی محسوب می‌شوند، زیرا این هوش‌ها معمولاً برای رسیدن به درک از تعامل کمک می‌گیرند، حتی اگر دانش آموزشی فعالیتی را به صورت انفرادی انجام دهد باید دیگران را نیز در شیوه‌ای که می‌نویسد، خلق می‌کند، و یا نتیجه‌گیری می‌کند مدنظر قرار دهد (مک کنزی، ۲۰۰۲).

هوش‌های درون فردی، فلسفه گرا و بصری از نوع هوش‌های درون نگرانه به شمار می‌آیند، زیرا چنین هوش‌هایی نیازمند توجه زبان آموز به درون خود، برقراری ارتباط عاطفی با تجربیات و باورهای خود برای یادگیری و درک جدید می‌باشد (مک کنزی، ۲۰۰۲).

(گاردنر، ۱۹۸۳) اظهارداشت همه‌ی افراد دارای تصویر شناختی شخصی هستند که از ترکیب ۷ نوع هوش متفاوت تشکیل شده است. در سال ۱۹۹۷، گاردنر هشتمین هوش را که همان هوش طبیعت‌گرا می‌باشد به این فهرست افزود و ۲ سال بعد نهمین هوش یعنی هوش فلسفه‌گرا را به این فهرست اضافه نمود.

او اظهار داشت که انواع هوش‌ها به ندرت به طور مستقل عمل می‌کنند، این هوش‌ها به صورت همزمان مورد استفاده قرار می‌گیرند و معمولاً مکمل یکدیگر هستند. لازم به ذکر است که گاردنر بر این باور نیست که این فهرست لزوماً کامل می‌باشد (گاردنر، ۱۹۹۹ صفحه‌های ۴۱ الی ۴۳). این طبقه‌بندی در شکل شماره ۲ نشان داده شده است.



شکل شماره ۲ گروه‌های هوشی (ام. آی. اسمارت. جی سی پی، ۱۹۹۹)

گاردنر (۱۹۸۳، ۱۹۹۹) انواع هوش ها را به روش زیر شرح داده است:

هوش زبانی: توانایی استفاده از کلمات و زبان و حساسیت نسبت به معنا و ترتیب واژگان. بعلاوه، این نوع هوش قابلیت استفاده از زبان برای بیان عقاید و نظرات خود و انجام اهداف مشخص و نیز توانایی تسلط به زبان خارجی می باشد.

هوش منطقی / ریاضیاتی: توانایی اندیشیدن و تحلیل مسائل به صورت منطقی، انجام عملیات ریاضیاتی به طور تحلیلی و اجرای مطالعات علمی و نیز فهم گروه ها و الگوهای منطقی، روابط علت و معلولی در جهان و استفاده از استدلال قیاسی و استقرایی.

هوش بصری: توانایی اندیشیدن به صورت تصویری و تصور کردن اشیاء از ابعاد مختلف. افراد دارای هوش بصری بالا، ایده ها و راه حل های مسائل را در ذهن خود به تصویر می کشند. هوش موسیقایی: توانایی تشخیص آهنگ، ریتم، و الگوهای موزون، قابلیت درک و بیان ایده های خود به صورت موزون.

هوش جسمانی / جنبشی (حرکتی): قابلیت استفاده از کل بدن یا قسمت هایی از بدن، دست، انگشتان، بازوان، برای حل یک مساله، ساختن چیزی یا تولید نوعی محصول.

هوش طبیعت گرا: توانایی و علاقه به شناسایی طبیعت پیرامون، از قبیل پرندگان، گل ها، حیوانات و درختان. این نوع هوش همچنان توجه زیاد به طبیعت، بوم شناسی و ویژگی های زمین شناسی جهان ما را در بر می گیرد.

هوش درون فردی (خودشناسی): داشتن درک از خود، دانستن اینکه چه کسی هستید، چه توانایی هایی دارید، چه کاری می خواهید انجام دهید، چطور به اشیاء واکنش نشان می دهید، از چه چیزهایی اجتناب می کنید و مجذوب چه چیزهایی می شوید.

هوش میان فردی (اجتماعی): توانایی درک سایر افراد، یعنی توانایی که همه ما به آن نیاز داریم. هر فردی که با افراد زیادی سر و کار دارد باید در حیطه ی هوش میان فردی مهارت داشته باشد. هوش فلسفه گرا: تمایل به مطرح کردن و اندیشیدن درباره ی سوالاتی در خصوص زندگی، مرگ و واقعیت های غائی. هوش فلسفه گرا به عنوان هوش ادراک در محدوده ای بزرگتر یا در تصویری بزرگ تر تلقی می شود.

از دیدگاه گاردنر، یادگیری هم یک فرآیند اجتماعی و هم یک فرآیند روانشناختی می باشد. باورها درباره ی هوش روش های تدریس را در مدارس و کلاس شکل می دهد. کلاس بر اساس این باور بوجود می آید که هر فرد حداقل دارای هوش هایی برای درک، شناخت جهان و ابراز عقاید می باشد. همه ی این هوش ها با یکدیگر به روش هایی متفاوتی که منحصر به هر فرد هستند تعامل دارند.

لکشمی (۲۰۰۷) نقش هوش های چندگانه را در تحقیقی که در مدرسه ی ابتدایی کلاس تمیل اجرا شد بر توسعه ی زبان تمیل معیار در سطح گفتار دانش آموزان بررسی کرد. کلاس را دانش آموزانی از خانواده های تمیلی و خانواده هایی که به زبان تمیلی صحبت نمی کردند ولی از دروسی به زبان

تمیلی بهره مند بودند و با تلاش مهارت گفتار خود را بهبود می‌بخشیدند تشکیل شده بود. هدف وی بررسی استفاده از رویکرد هوش‌های چندگانه برای توسعه‌ی زبان تمیل معیار در سطح گفتار در میان دانش‌آموزان مدرسه‌ی ابتدایی بود. بسیاری از دانش‌آموزان خاطر نشان ساختند که از طریق رویکرد هوش‌های چندگانه در درس‌های زبان تمیل پیشرفت‌هایی به دست آورده‌اند.

روش انجام تحقیق

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل ۹۰ نفر از دانشجویان سال دوم رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی می‌باشند. آن‌ها در ترم مهرماه سال ۱۳۸۹ مشغول به تحصیل بودند.

نمونه‌ی آماری و روش گزینش آن

نمونه‌ی آماری این پژوهش بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای از میان دانشجویان سال دوم رشته‌ی مترجمی زبان انگلیسی در دانشگاه آزاد واحد بندرعباس انتخاب شدند. تمامی شرکت‌کنندگان دروس گفت و شنود ۱ و ۲ و ۳ را گذرانده بودند. بعد از اینکه نمرات مصاحبه حاصل شد میانگین آن دسته از دانشجویانی که نمره اشان بین انحراف معیار ۱- و ۱+ بود انتخاب شدند و مابقی کنار گذاشته شدند. شرکت‌کنندگان نهایی را ۶۰ دانشجوی تشکیل دادند. این تحقیق بر روی دانشجویان سطح متوسط انجام گرفته است. ۳۰ نفر از شرکت‌کنندگان دختر و ۳۰ نفر دیگر پسر می‌باشند.

ابزار گرد آوری اطلاعات

ابزار به کار رفته برای جمع آوری اطلاعات به شرح زیر است:

- ۱- برگه‌ی ارزیابی گفتار برای ارزشیابی مهارت گفتار شرکت‌کنندگان. این برگه‌ی ارزیابی مطابق مدل کنت (۲۰۰۱) تهیه شده است.
- ۲- پرسش‌نامه‌ی هوش چندگانه که بر اساس مدل ۹ گانه‌ی گاردنر می‌باشد برای مشخص کردن هوش‌های برتر شرکت‌کنندگان استفاده شد. این پرسش‌نامه ترکیب ۲ آزمون هوش چندگانه، شامل آزمون هوش چندگانه‌ی نیل (۲۰۰۲) و فهرست هوش چندگانه‌ی مک کنزی (۱۹۹۹) است. در جلسه‌ی اول برای داشتن یک گروه همگن، شرکت‌کنندگان مورد مصاحبه قرار گرفتند. در جلسه‌ی دوم پرسش‌نامه‌ی هوش چندگانه براساس معیار لیکرت که ۹ مورد از حیطه‌های هوش شرکت‌کنندگان را اندازه گرفت بکار رفت. تکمیل کردن ۹۰ سوال تستی حدود ۲۵ دقیقه طول کشید و برای این کار محدودیت زمانی وجود نداشت. در جلسات سوم و چهارم توانایی تکلم شرکت‌کنندگان از طریق مصاحبه‌ی شفاهی مورد ارزیابی

قرار گرفت. محقق و ارزیاب دوم شرکت کنندگان را بر اساس تلفظ، نحوه‌ی به کار بردن دستور زبان، انتخاب واژگان مناسب و مرکب، سلاست گفتار و درک شنود به زبان انگلیسی مورد ارزیابی قرار دادند. در هر بخش زبان‌آموزان نمره‌ای بین ۱ تا ۴ کسب کردند، از این رو نمره‌ی کل برای مهارت گفتار آنها بین ۵ تا ۲۰ بود. زمان مصاحبه با هر زبان آموز ۱۰ در حدود تا ۲۰ دقیقه بود.

اعتبار و پایایی ابزار جمع آوری اطلاعات

برای شاخص‌های اعتبار و پایایی، متن اصلی انگلیسی به زبان فارسی ترجمه شد سپس دوباره توسط چندین متخصص به زبان انگلیسی برگردانده شد.

پایایی آزمون با استفاده از فرمول "آلفا کرانباخ" محاسبه شد. شاخص پایایی بالاتر از (۰/۷۹۰) نشان می‌دهد که این آزمون بسیار معتبر است. پایایی این آزمون استاندارد بوسیله‌ی مدل نیل (۲۰۰۲) مورد سنجش قرار گرفت.

برای اطمینان حاصل کردن از اعتبار ساختاری آیتم‌های آزمون و تعیین متغیرهای اساسی که توجیه کننده همبستگی میان متغیرهای مشاهده شده می‌باشد، "تحلیل عامل اصلی" مورد استفاده قرار گرفت. نتیجه‌ی تحلیل عوامل نشان می‌دهد که ۹ عامل یا ساختار یا به عبارت دیگر ۹ بخش از هوش وجود دارد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

همانگونه که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌کنید میانگین نمرات انواع هوش‌های چندگانه برای شرکت کنندگان مذکور نسبت به شرکت کنندگان مونث بیشتر می‌باشد. جدول شماره ۱: آمار توصیفی انواع مختلف هوش‌های چندگانه شرکت کنندگان مذکور و مونث

انواع هوش‌ها	جنسیت	تعداد شرکت‌کنندگان	میانگین	انحراف از معیار	واریانس
زبانی / کلامی	مذکر	۳۰	۵,۸۰۰	۲,۱۳۹۹۳	۴,۵۷۹
	مونث	۳۰	۵,۷۰۰	۲,۴۵۱۶۰	۶,۰۱۰
منطقی / ریاضیاتی	مذکر	۳۰	۵,۶۶۶۷	۱,۴۹۳۲۸	۲,۲۳۰
	مونث	۳۰	۵,۳۶۶۷	۱,۷۵۱۵۲	۳,۰۶۸
بصری / فضایی	مذکر	۳۰	۵,۹۰۰۰	۱,۵۶۱۳۹	۲,۴۳۸
	مونث	۳۰	۵,۸۰۰۰	۱,۶۶۹۱۹	۲,۷۸۶
موسیقیایی / ریتمیک	مذکر	۳۰	۵,۳۰۰۰	۱,۸۹۶۴۶	۳,۵۹۷
	مونث	۳۰	۵,۲۶۶۷	۱,۹۸۱۵۲	۳,۹۲۶
جنبشی / جسمی	مذکر	۳۰	۵,۷۳۳۳	۱,۶۸۰۱۸	۲,۸۲۳
	مونث	۳۰	۵,۳۶۶۷	۱,۷۳۱۷۲	۲,۹۹۹
طبیعت‌گرا	مذکر	۳۰	۵,۴۰۰۰	۱,۵۸۱۷۵	۲,۵۲۴
	مونث	۳۰	۴,۹۳۳۳	۱,۷۹۹۱۱	۳,۲۳۷
درون فردی	مذکر	۳۰	۵,۸۰۰۰	۱,۴۷۱۵۷	۲,۱۶۶
	مونث	۳۰	۵,۶۳۳۳	۱,۴۷۱۵۷	۲,۹۳۰
میان فردی	مذکر	۳۰	۵,۸۳۳۳	۱,۷۱۱۶۹	۲,۰۰۶
	مونث	۳۰	۵,۳۶۶۷	۱,۴۱۶۲۴	۲,۱۰۲
فلسفه‌گرا	مذکر	۳۰	۵,۳۰۰۰	۱,۷۴۴۹۴	۳,۰۴۵
	مونث	۳۰	۴,۹۶۶۷	۱,۶۹۱۴۳	۲,۸۶۱
هوش‌های چندگانه	مذکر	۳۰	۵۰,۷۳۳۳	۵,۷۳۵۱۵	۳۲,۸۹۲
	مونث	۳۰	۴۸,۴۰۰۰	۶,۵۱۰۴۷	۴۲,۳۸۶

اگرچه نمره‌ی کل توانایی گفتار شرت‌کنندگان مونث بیشتر از مذکرها بود، اما جدول شماره‌ی ۲ نشان می‌دهد که هیچ تفاوت چشمگیری بین توانایی گفتار شرکت‌کنندگان مذکر و مونث در این تحقیق وجود ندارد.

جدول شماره ۲: آمار توصیفی توانایی گفتار و اجزای آن برای شرکت کنندگان زن و مرد

انواع آزمون	جنسیت	تعداد شرکت کنندگان	میانگین	انحراف از معیار	واریانس
سلاست گفتار	مذکر	۳۰	۱۶,۷۶۶۷	۳,۷۵۷۱۴	۱۴,۱۱۶
	مونث	۳۰	۱۶,۰۳۳۳	۴,۱۲۲۹۷	۱۶,۹۹۹
نحوه‌ی به کار بردن دستور زبان	مذکر	۳۰	۱۶,۰۶۶۷	۴,۳۳۸۵۵	۱۸,۸۲۳
	مونث	۳۰	۱۶,۵۳۳۳	۳,۷۲۰۷۱	۱۳,۸۴۴
درک شنود	مذکر	۳۰	۱۶,۵۳۳۳	۴,۱۰۸۳۰	۱۶,۸۷۸
	مونث	۳۰	۱۶,۴۳۳۳	۴,۶۷۳۳۵	۲۱,۸۴۰
تلفظ	مذکر	۳۰	۱۶,۰۳۳۳	۴,۳۲۷۰۱	۱۸,۷۲۳
	مونث	۳۰	۱۶,۳۰۰۰	۴,۷۰۶۲۰	۲۲,۱۴۸
انتخاب واژگان مناسب و مرکب	مذکر	۳۰	۱۶,۳۳۳۳	۴,۸۰۱۸۲	۲۳,۰۵۷
	مونث	۳۰	۱۶,۷۹۳۱	۵,۰۴۵۴۶	۲۵,۴۵۶
توانایی گفتار	مذکر	۳۰	۸۰,۷۳۳۳	۱۷,۹۴۶۱۵	۳۲۲,۰۶۴
	مونث	۳۰	۸۱,۵۳۳۳	۱۸,۹۴۵۹۰	۳۵۸,۹۴۷

ب) یافته‌های استنباطی

همانطور که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، هوش‌های زبانی-کلامی همبستگی چشمگیری با توانایی تکلم و همه‌ی مؤلفه‌های آن در شرکت کنندگان مذکر و مونث دارد.

$$(P < 0/01)$$

بعلاوه، هوش درون فردی همبستگی چشمگیری با توانایی گفتار و همه‌ی مؤلفه‌های آن در شرکت کنندگان مذکر دارد. همچنین هوش میان فردی همبستگی‌هایی با توانایی گفتار و ۳ مورد از مؤلفه‌های آن دارد که عبارتند از سلاست گفتار، نحوه‌ی به کار بردن دستور زبان، انتخاب واژگان مناسب و مرکب در افراد مذکر.

جدول شماره ۳: همبستگی های میان انواع مختلف هوش های چندگانه و توانایی گفتار و مولفه های آن

انواع هوش	همبستگی	جنسیت	سلامت گفتار	نحوه ی به کاربردن دستور زبان	درک شنود	تلفظ	انتخاب واژگان مناسب و آسان	توانایی گفتار
زبانی / کلامی	همبستگی پیرسون	مذکر	۰/۷۵۳**	۰/۷۶۷**	۰/۵۹۷**	۰/۶۹۰**	۰/۶۳۱**	۰/۸۱۵**
	همبستگی پیرسون	مونث	۰/۷۵۴**	۰/۷۱۸**	۰/۷۴۳**	۰/۷۶۷**	۰/۷۱۷**	۰/۸۱۷**
منطقی / ریاضیاتی	همبستگی پیرسون	مذکر	۰/۱۱۵	۰/۰۷۳	۰/۱۱۴	۰/۰۹۳	-۰/۱۲۳	۰/۰۵۷
	همبستگی پیرسون	مونث	-۰/۲۵۵	-۰/۰۶۸	۰/۰۲۶	-۰/۱۱۰	-۰/۲۸۳	-۰/۱۹۱
بصری / فضایی	همبستگی پیرسون	مذکر	-۰/۴۴۵	-۰/۴۳۲	-۰/۲۴۴	-۰/۳۶۷	-۰/۵۸۴	-۰/۴۹۸**
	همبستگی پیرسون	مونث	-۰/۴۰۵	-۰/۲۹۹	-۰/۳۲۰	-۰/۳۵۶	-۰/۴۶۰	-۰/۴۵۶
موسیقیایی / ریتمیک	همبستگی پیرسون	مذکر	-۰/۱۳۵	-۰/۲۸۳	۰/۰۴۵	-۰/۱۲۷	-۰/۱۳۳	-۰/۱۵۳
	همبستگی پیرسون	مونث	-۰/۴۵۳	-۰/۳۹۴	-۰/۴۳۴	-۰/۴۰۱	-۰/۳۵۱	-۰/۴۵۴
جنبشی / جسمی	همبستگی پیرسون	مذکر	-۰/۴۵۸	-۰/۴۰۹	-۰/۴۵۸	-۰/۴۳۰	-۰/۴۵۰	-۰/۵۲۴
	همبستگی پیرسون	مونث	-۰/۴۵۱	-۰/۴۰۱	-۰/۳۵۷	-۰/۴۰۷	-۰/۲۳۴	-۰/۴۰۲
طبیعت گرا	همبستگی پیرسون	مذکر	-۰/۳۸۲	-۰/۲۳۴	-۰/۱۸۲	-۰/۱۳۲	-۰/۱۰۴	-۰/۲۳۸
	همبستگی پیرسون	مونث	-۰/۴۳۷	-۰/۲۷۸	۰/۰۲۴	-۰/۱۹۷	-۰/۱۸۳	-۰/۲۲۵
درون فردی	همبستگی پیرسون	مذکر	۰/۵۲۸**	۰/۵۷۵**	۰/۵۷۲**	۰/۵۲۱**	۰/۵۹۰**	۰/۶۶۴**
	همبستگی پیرسون	مونث	۰/۲۸۰	۰/۳۷۳	۰/۲۷۵	۰/۱۶۴	۰/۳۴۹	۰/۳۲۷
میان فردی	همبستگی پیرسون	مذکر	۰/۵۲۴**	۰/۴۸۵**	۰/۱۹۴	۰/۳۱۰	۰/۵۵۱**	۰/۴۹۳**
	همبستگی پیرسون	مونث	۰/۱۳۳	۰/۱۶۷	۰/۲۸۶	۰/۱۴۰	۰/۲۵۱	۰/۲۱۵
فلسفه گرا	همبستگی پیرسون	مذکر	-۰/۵۷۸**	-۰/۳۵۸	-۰/۱۴۳	-۰/۲۴۸	-۰/۲۳۹	-۰/۳۶۴
	همبستگی پیرسون	مونث	-۰/۳۶۶	-۰/۴۶۳	-۰/۲۸۶	-۰/۰۳۸	-۰/۲۵۶	-۰/۳۱۸
هوش های چندگانه	همبستگی پیرسون	مذکر	-۰/۰۰۶	۰/۰۶۷	۰/۱۶۷	۰/۱۱۲	۰/۰۵۵	۰/۰۹۵
	همبستگی پیرسون	مونث	-۰/۲۶۶	-۰/۱۱۳	۰/۰۴۶	-۰/۰۵۲	-۰/۰۶۸	-۰/۱۱۶

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ چشمگیر می باشد

جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که رابطه‌ی خطی قابل توجهی بین متغیرهای ارائه شده و نمره‌ی کل توانایی گفتار وجود دارد. این متغیرها عبارتند از: هوش زبانی-کلامی، هوش میان فردی و هوش درون فردی. جدول شماره ۴ تحلیل رگرسیون برای وجود رابطه‌ی خطی

Sig	t	همبستگی استاندارد	ضریب غیراستاندارد	مدل
۰/۰۰۰	۱۱/۵۴۴	۳/۷۷۴	۴۳/۵۷۴	ثابت
۰/۰۰۰	۱۰/۶۹۴	۱/۶۱۱	۶/۵۳۲	زبانی-کلامی
۰/۰۰۰	۷/۴۲۲	۷/۸۵۰	۵۸/۲۶۴	ثابت
۰/۰۰۰	۹/۱۸۳	۱/۶۵۰	۵/۹۷۰	زبانی-کلامی
۰/۰۳۹	-۲/۱۱۶	۱/۹۲۵	-۱/۹۵۸	بین فردی
۰/۰۰۰	۶/۱۳۲	۸/۳۴۷	۵۱/۱۸۷	ثابت
۰/۰۰۰	۷/۷۷۲	۱/۶۹۲	۵/۳۷۹	زبانی-کلامی
۰/۰۲۷	-۲/۲۶۹	۱/۹۰۰	-۲/۰۴۲	بین فردی
۰/۰۴۱	۲/۰۸۸	۱/۹۱۸	۱/۹۱۷	درون فردی

جدول شماره ۵ مولفه‌های رابطه‌ی خطی برای متغیرهای ارائه شده جهت مستند سازی فرمول‌های رابطه‌ی خطی را نشان می‌دهد.

Sig	F	جذرمیانگین	df	مجموع جذرها	مدل	
۰/۰۰۰a	۱۱۴/۳۶۱	۱۳۱۱۰/۰۰۵	۱	۱۳۱۱۰/۰۰۵	رگرسیون	۱
-	-	۱۱۴/۶۳۷	۵۸	۶۶۴۸/۹۲۸	باقیمانده	
-	-	-	۵۹	۱۹۷۵۸/۹۳۳	کل	
۰/۰۰۰b	۶۲/۸۴۹	۶۷۹۷/۱۸۵	۲	۱۳۵۹۴/۳۷۰	رگرسیون	۲
-	-	-	۵۷	۶۱۶۴/۵۶۴	باقیمانده	
-	-	-	۵۹	۱۹۷۵۸/۹۳۳	کل	
۰/۰۰۰c	۴۵/۸۲۴	۴۶۷۹/۹۱۶	۳	۱۴۰۳۹/۷۴۷	رگرسیون	۳
-	-	۱۰۲/۱۲۸	۵۶	۵۷۱۹/۱۸۶	باقیمانده	
-	-	-	۵۹	۱۹۷۵۸/۹۳۳	کل	

جدول شماره ۵: تحلیل رگرسیون برای تعیین مولفه‌های رابطه‌ی خطی

با ارائه‌ی جدول شماره ۵ فرمول رابطه‌ی خطی به قرار زیر می‌باشد:

توانایی گفتار = $۵۱/۱۸۷ + (۵/۳۷۹ * \text{زبانی - کلامی}) - (۲/۰۴۲ * \text{بین فردی}) = (۱/۹۱۷ * \text{درون فردی})$.

نتیجه گیری

احتمالا هیچ جنبه‌ای از روانشناسی معاصر وجود ندارد که بیشتر از هوش توسط عامه‌ی مردم مورد سوء برداشت قرار گیرد. به نظر می‌رسد عامه‌ی مردم نظریه‌ای را اتخاذ کرده باشند که هوش عبارت است از آنچه که آزمون‌های هوش می‌سنجد (کیل و پلقرنیا، ۱۹۸۵). همچنین در خصوص روانشناختی سردرگمی وجود دارد.

محقق کتاب هیجان انگیزی را با عنوان "آموزش درختان کوچک" از (کارتر ۱۹۹۱) مورد توجه قرار می‌دهد که به تفاوت بین مهارتهایی که هوشمند تلقی می‌شوند می‌پردازد و در فرهنگ بومی سرخپوستان آمریکا و فرهنگ سفید پوستان در ایالات متحده ارزیابی می‌شود. نظریه‌ی هوش چندگانه‌ی گاردنر تعریف دیگری از هوش را بر اساس یک نظریه‌ی بسیار متفاوت از ذهن ارائه می‌دهد.

سری زیادی از مطالعات کوشیدند نتایج مثبت به کارگیری نظریه‌ی هوش چندگانه را در آموزش نشان دهند (آرم استرانق ۲۰۰۲، لی ۲۰۰۴، آرم استرانق ۲۰۰۶، حیات غیبی ۲۰۰۶، سیت ۲۰۰۷ و ساری کافلو و آریکان ۲۰۰۹). ساری کافلو و آریکان (۲۰۰۹) رابطه‌ی بین هوش‌های چندگانه، موفقیت در یادگیری زبان خارجی و برخی متغیرهای منتخب را مورد مطالعه قرار دادند. هدف این تحقیق بررسی ارتباط میان جنسیت دانشجویان و انواع هوش، رابطه‌ی بین انواع هوش‌های خاص و موفقیت دانشجویان در به کار بردن دستور زبان، شنود و نگارش به زبان خارجی و رابطه‌ی بین تحصیلات والدین و انواع هوش‌های دانشجویان است. ۱۴۴ دانشجوی کلاس مقدماتی دانشکده‌ی زبان‌های خارجه‌ی دانشگاه ارسیز در این تحقیق شرکت کردن و داده‌ها از طریق هوش‌های چند گانه جمع آوری گردیدند. تحلیل داده‌ها نشان داد که هیچ تفاوت چشمگیری از لحاظ جنسیتی در انواع هوش شرکت کنندگان وجود ندارد بجز یک رابطه‌ی مثبت که بین جنسیت و هوش زبانی شرکت کنندگان وجود داشت. روابط منفی اما چشمگیر بین موفقیت در نمرات آزمون دانشجویان در به کار بردن دستور زبان و هوش‌های جسمانی- جنبشی، فضایی و درون فردی یافت شد، همینطور بین هوش موزون و نگارش رابطه‌ی چشمگیر و مثبتی یافت شد. در نهایت هیچ رابطه‌ی چشمگیری بین تحصیلات والدین و انواع هوش دانشجویان یافت نشد.

در واقع بیشترین میزان مطالعات هوش‌های چندگانه به طور مستقیم یا غیرمستقیم به این نتیجه رسید که هوش‌های چند گانه رابطه‌ی چشمگیری با مهارتهای یادگیری زبان دارد.

یافته‌های محقق از نظریه‌ی هوش چندگانه‌ی گاردنر پشتیبانی می‌کند. در این تحقیق عواملی از قبیل جنسیت، سطح تحصیلات، محل زندگی، محل تحصیل شرکت کنندگان مورد توجه قرار گرفته است. این تحقیق از تعداد قابل توجهی از تحقیقاتی که در کل شواهدی برای حمایت از رابطه‌ی میان هوش‌های چندگانه و مهارت‌های یادگیری زبان نشان می‌دهد و اغلب بعد از دهه‌ی ۱۹۹۰ اجرا شده‌اند حمایت می‌کند.

براساس یافته‌های این تحقیق می‌توان ادعا کرد که ابعاد هوش‌های چندگانه روابط چشمگیری با مولفه‌های مهارت‌های زبانی دارد.

پژوهشگر تلاش کرده است که ضرورت انعکاس عقاید و عملکرد معلمان در خصوص هوش‌های چندگانه برای زبان‌آموزان را در تمام مراحل تحصیل، مورد بحث قرار دهد تا بدین طریق دانش‌آموزان فرصت‌های بهینه‌ای برای توسعه‌ی هوش‌ها بیابند. علاوه بر این، ما دریافتیم که فرصت‌های خاص برای توسعه‌ی هوش‌های چندگانه می‌بایست در محیط‌های اولیه‌ی تحصیل وجود آید.

بدون توجه به روش ارائه، ادغام کردن هوش‌های چندگانه در آموزش مولفه‌ای کلیدی برای موفقیت دانش‌آموزان می‌باشد. معلمی که مطالب درسی را تدوین می‌کند تا به نیازهای هوش‌های چندگانه پردازد موفقیت تحصیلی را ترغیب می‌کند و تجربه‌ی یادگیری کیفی را ارتقاء می‌بخشد. حتی اگر ارزش "I" در تحقیق آموزش خیلی مهم نباشد چنین ارتباطی ممکن است بسیار مهم تلقی شود. بنابراین، تحلیل داده‌ها نشان داد که ارتباط چشمگیری بین هوش‌های چندگانه و مهارت گفتار وجود دارد.

رگرسیون چندگانه نشان داد که هوش‌های زبانی - کلامی، میان فردی و درون فردی مهمترین نشانگرهای توانایی گفتار در این تحقیق می‌باشد و نشانگر مهارت گفتار زنان صرفاً هوش زبانی می‌باشد، و در مقابل، هوش‌های زبانی، میان فردی و درون فردی نشانگرهای مهارت گفتار مردان می‌باشند. همچنین همبستگی‌های پراکنده‌ای بین انواع دیگر هوش‌های چندگانه، توانایی گفتار و مؤلفه‌های آن وجود دارد.

همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که هیچ تفاوت چشمگیری میان توانایی گفتار زنان و مردان در این تحقیق وجود ندارد.

منابع

- Armstrong, T. (2002). *The multiple intelligence of reading and writing: Making the words come alive*. Alexandria, VA: Association for Supervision and Curriculum Development.
- Armstrong, T. (2006). *Multiple intelligences in the classroom* (2nd ed.) [Arabic translation] (H. Abdulghani, Trans.). Al Khobar, Saudi Arabia: Educational Book House and Dhahran Ahliyya Schools.
- Carter, F. (1991). *The education of little tree*. Albuquerque, NM: University of New Mexico Press.
- Gardner, H. (1983). *Frames of mind: The theory of multiple intelligences*. New York: Basic Books.
- Gardner, H. (1999). *Intelligence reformed: Multiple Intelligences for the 21st century*. New York: Basic Books.
- Gardner, H. & Hatch, T. (1989). Multiple intelligences go to schools: Educational implications of the theory of multiple intelligences. *Educational Researcher*, 18 (8), 4-9.
- Geary, D. C. (2005). *The origin of mind: Evolution of brain, cognition, and general intelligence*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Gottfredson, L. S. (1997). Main stream science on intelligence: An editorial with 52 signatories, history and bibliography. *Intelligence*, 24, 13-23.
- Hayat Gheibi, Mehrdad (2006). *A casual comparative study on multiple intelligences an dlistening comprehension in Iranian high school EFL learners*. M. A. Thesis, Shiraz: Islamic Azad University.
- Kail, R. , & J. Pellegrina. (1985). *Human intelligence: Perspectives and prospects*. New York: W. H. Freeman and Company.
- Kent, D. B, (2001). Exam evaluation criteria. *The Internet TESL Journal*, Vol. 7, No. 6.
- Lakshmi, S. (2007). *Multiple Intelligences Approach in a Tamil Classroom*. *Singapore Journal of Education*, 31 (2), 45-53.
- Li, L. (2002). *Education for 1.3 billion: On 10 years of education reform and development*. Beijing: Foreign Language Teaching and Research Press.
- Mckenzie, W. (1999). MI Survey. Available at: the World Wide Web: <http://surfaquarium.com/miinvent.htm>.
- Mckenzie, W. (2002). "Gardner's Eight Criteria: For Identifying Intelligence". Arlington Public School. Available at: <http://Surfaquarium.com/MI/Criteria.htm>.
- Nail, D. (2002). *Multiple intelligence Test*. Available at: <http://NedProductions-MultiplIntelligenceTest.htm>.
- Saricaoglu, A & A, Arikan. (2009). A study of multiple intelligences, foreign language success and some selected variables. *Journal of Theory and Practice in Education*. 5 (2):110-122.
- Sit, P. S. (2007). Lesson study as a means to help kindergarten teachers develop children's reading comprehension ability. *Journal of Research on Elementary and Secondary Education*, 18, 145-164.
- Spearman, C. (1927). *The abilities of man: Their nature and measurement*. New York: Macmillan.
- Ur, Penny, (1996). *A course in language teaching: practice and theory*. Cambridge University Press.